

دکتر حسن مینالی فر

معلم دانشکده ادبیات تبریز

جرم جوانان و علل اجتماعی آن

عواملی که سبب ناسازگاریهای اجتماعی و جرم جوانان به شمار میرود بسیار متعدد و پیچیده میباشد پژوهش‌های بی‌شماری در زمینه آسیب‌شناسی جهت تحقیق و بررسی علل کلی ناسازگاریها و بزهکاریهای جوانان در اجتماعات بزرگ جهان به عمل آمده است برای شناسائی دقیق این علتها در هر کشور و هر محل باید انواع مختلف بزهکاریها و ناسازگاریها را مورد مطالعه قرار داد و از هر یک از بزهکاران ابروآسیونهای فردی تهیه کرد زیرا که ناسازگاران اجتماعی هر یک دارای وضع به خصوص و مشخصاتی کاملاً استثنائی هستند.

در این قسمت به ناسازگاریهای جوانان و علل به وجود آوردن آنها و روشهای پیشگیری با ذکر مثالی چند از دارالتأدیب تهران اشاره خواهد شد.

ناسازگاریهای اجتماعی جوانان و حالات ضد اجتماعی آنان ناشی از عواملی از قبیل بیماریهای موروثی و ضعف روحی و جسمی و وضع خانوادگی و شرایط تربیتی و نیز اوضاع فرهنگی و اجتماعی میباشد به همین سبب تعریف ناسازگاریهای اجتماعی و بزهکاری جوانان از دیدگاههای مختلف امکان پذیر بوده و سبب اختلاف آراء میگردد روانپزشکان میکوشند ناسازگاریهای جوانان را با ذکر عناوینی از قبیل جنون جوانی، انحرافات غیر طبیعی، احساسات و عواطف و نقص در رشد ترونها می‌پژایند در چهارچوب

بیماری قرار دهند هلی HEALY و هویر HEUYER با در نظر گرفتن اختلال رشد شخصیتی میخواهند تأثیرات محیط و خانواده و شرایط به وجود آورنده ناهنجاریها را مطالعه کنند. لمبروزو Lombroso و پیروانش را عقیده بر اینست که جانی فطرناً جنایتکار به دنیا می‌آید زان زاک روسو میگوید کودک سالم به دنیا می‌آید و اجتماع او را فاسد

می‌کند به عبارت دیگر مجرم ، مجرم به دنیا نیامده بلکه بعداً مجرم شده است .

Moussat در کتاب *L'enfance heroique* مینویسد در نهاد هر کودک قهرمانی وجود دارد اگر طفل در محیط ساکت و کند و بی‌رونی قرار گیرد و با خانواده‌اش او را در مقابل کارهای خوب تشویق و ترغیب نکنند به احتمال زیاد کودک میل خود را در جهت منفی ارضا میکند و به فعالیت‌های ناهنجار و ضد اجتماعی خواهد پرداخت.

با وجود اختلاف نظر در ماهیت و علل به وجود آورنده ناسازگاریها دانشمندان معتقد و متفق القولند که ناسازگاران افرادی هستند که سلوک و رفتار آنان مورد قبول جامعه نبوده و احتیاج به تدابیر تربیتی ، اجتماعی ، طبی و روانشناسی دارند در ناسازگاریها علاوه بر جنبه‌های انسانی و حیوانی به عوامل اجتماعی توجه بیشتر میندول میدارند در اوایل قرن بیستم آدلف مایر **ADOLF MEYER** روانپزشک معروف امریکائی همکاران خود را تشویق میکرد که توجه خود را از اختلالات عضوی و ارثی به اختلالات رفتاری میندول دارند و تأکید میکرد که درباره شرح حقایق زندگی بیماران و رشد شخصیتی آنان در زندگی گذشته از زمان انعقاد نطفه توجه نمایند بدین ترتیب مسأله تأثیر محیط و تجربیات زندگی شخصی از زمان تولد تا موقع بروز ناراحتیها مورد توجه قرار گرفت امروزه اکثر روانپزشکان عقیده دارند که سبب ناراحتیهای روانی بیشتر در نتیجه اختلالات روابط موجود بین اشخاص است تا در نتیجه بیماری ، و تئوری ارتباطی را بدین شکل توجیه میکنند که ارتباط و تشکیلات ساختمانی فرد و ارتباط با محیط و اثرات دائم نیروهای اجتماعی و تجارب گذشته شخص میتواند رفتار و واکنشهای فرد را با دنیای خارج به عبارت دیگر با افراد مطابقت دهد بدین ترتیب میتوان گفت که رفتار ناسازگاران از تأثیرات عاطفی ، انگیزه‌های اولیه و نیازها و هدفهای زندگی بیشتر از اختلالات عضوی یا ضایعات مغزی متأثر میگردد . ناسازگاری در بسیاری از جوانان به نوعی حالت ضد اجتماعی مثلاً نسبت به کسی رویه منفی بسافی گرفتن به عنوان شوخی او را تحقیر کردن - تمسخر کردن یا به امیال و گفته‌هایش متعرض شدن ، بهانه‌جوئی کردن وغیره مشاهده میگردد و اگر چنین شخص را تحت معالجه قرار ندهند زندگی را به خود و دیگران تلخ و ناگوار خواهد ساخت هنگامیکه به مسأله ناسازگاری جوانان توجه می‌کنیم در واقع منظور ما فقط مبارزه با ناهنجاریهای رفتار افراد کم سن و سال نبوده بلکه بطور کلی جلوگیری از عواقب آن در بزرگسالی است اگر ناسازگاری در جوانان محدود به سن معینی بوده ارتباطی با رفتار و آمیزش نداشت رفتار آنان مانند نوعی بیماری بود که خود به خود شفا مییافت و تکرانی و تشویش موردی نداشت حال آنکه ناسازگاریها محدود به سن معینی نبوده در صورتیکه معالجه نشود مانند امراض مسری حالت روز افزون خواهد داشت به عقیده فروید ناسازگاری کودکان با مشکلاتی

که مابین کودک و والدین وجود دارد سرچشمه میگیرد درحالیکه کودک به توجه و
علاقه پدر و مادر وابسته است بهمان ترتیب نیز تحت مراقبت و انضباط آنهاست
گرچه مشکلات کودکی و نتایج آن واپس زده میشود اما ممکن است که سیر تکاملی
خود را دچار اختلال کرده و او را ناسازگار به بار بیاورد ریدو Ridot در تحقیقات
خود که در روی جوانان ناسازگار امریکا انجام میداد گفته فریاد را نباید کرده
و میگوید هر اندازه تعلیم و تربیت خشن و نهی کننده به تعلیم و تربیت آزاد تبدیل
شود همان اندازه بر تعداد افراد ناسازگار و بزهار افزوده میشود علل ناسازگاری
اعمال و افعال جوانان بسیارند برای معلوم داشتن این علل و هدایت جوانان
باید با موازین و اصول روانشناسی به تحقیق پرداخت یک نکته مسلم است که کودک
شروع به دنیا نیآمده ذاتاً مخرب نبوده و مردم آزاری را به ارث نبرده است بلکه
محیط غلط و رفتار نامطلوب والدین و افراد اجتماع و عدم بکار بردن روشهای
صحیح تعلیم و تربیت در آموزشگاهها چنین نمره ای را به بار آورده است .

تقسیم و طبقه بندی علل به وجود آورنده ناسازگاری جوانان به علت
آمیخته و پیچیده بودن آنها کاری بس دشوار است و حتی جدا کردن آنها به صورتی
قطعی و مسلم نامقدور است زیرا که بعضی از این عوامل اختصاصی مانند بیماریهای
روانی و یا نقص تربیتی و خانوادگی و یا با عوامل کلی تر مانند شرایط اجتماعی
و فرهنگی و محلی بستگی دارند بعضی از دانشمندان ناسازگاری و جرم را معلول
عوامل اجتماعی از قبیل جنگ ، فقر ، محیط خانواده ، آموزشگاه ، سینما ، رادیو ،
تلویزیون ، مطبوعات ، رسانه های پلیسی و یا محافل اجتماعی از قبیل کافه ، تماشاخانه ،
مجالس شب نشینی و مجالس قمار و میخوارگی و ... دانسته اند برخی دیگر حالت
ضد اجتماعی را ناشی از عواملی مانند **وراثت** (بیماریهای موروثی ، ضعف جسمی
یا روحی) **حالت مزاجی** ، **اختلال حواس** و یا **عاطفه** میدانند برای سهولت
مطالعه عوامل به وجود آورنده این پدیده روانی را در دو گروه زیر مطالعه خواهیم
کرد : ۱ - علل اجتماعی - فرهنگی ، ۲ - علل روانی - خانوادگی .

الف - علل اجتماعی - فرهنگی ، تحول دنیای نوین خصوصاً صنعتی شدن
ممالک سیمای زندگی را به کلی عوض کرده و مردم را از روستاها به شهرها و از شهرها
به مراکز صنعتی و یا پایتخت کشانیده است نتیجه این تغییر و تبدیل نه تنها وضع ممالک
را از لحاظ وسعت و تراکم جمعیت در مراکز تغییر میدهد بلکه از بین رفتن رشته های
محبت خانوادگی و نفاق و ناسازگاری پاشیدگی سازمان اصلی خانواده هم میگرد
و باید گفت که محصول این قبیل خانواده ها جرمشبی تبهار و مجرم چیز دیگری
نخواهد بود و دارالتأدیبهای ما مؤید این مطلب هستند مثلاً دارالتأدیب تهران
از هر ده جوان مجرم هشت و یا بیشتر در نتیجه پاشیدگی وضع خانوادگی و فون

یکی از ابویین و داشتن نامادری و تنها ماندن کودک و امثال آن میباشد موقعیکه در دارالتأدیب تهران مشغول انجام وظیفه بودم جوانی رامی شناختم که بهزندگی خوشبین و فعال بود روزی برخلاف معمول در گوشه حیاط به تنهایی قدم میزد کنارش رفته جوپای حال شدم گفت امروز خبر داده اند که پس از چند روز آزاد میگردم گفتم اینکته ناراحتی ندارد بایستی خوشحال شوی پیش خانواده ات بر میگردی خندید و گفت خانواده نکو به کو به جهنم و بدبختی بر میگردی درمباحثه بعدی معلوم شد که از دزدی و خلاف کاملاً مبرا است. برای رهایی از وضع آشفته خانواده و برای برگشتن به دارالتأدیب دزدی میکرده است جوانی دیگر شب روزیکه بایستی آزاد گردد به رفقاییش سفارش میداد که جایم نگذارید کسی بخوابد بر میگردم در مصاحبه ای که از این جوان به عمل آمد گفت خانواده ام در دهات یکی از شهرها زندگي میکنند من بایستی از اهل محل برای کسب و کار به تهران آمدم الان مدت هفت و هشت سال است که در دارالتأدیب زندگی میکنم و تا به حال ۱۳ مرتبه به دارالتأدیب آمده ام نصیحتش میکردم که ایندفعه بایستی برنگردی و در اجتماع فعالیت کنی. گفت از حالا فکر شب آینده را میکنم که در کجا و با چه بدبختی روبرو خواهم شد نه جایی و نه کسی و نه چیزی دارم بهترینست که بر هر ترتیبی شده دوباره به دارالتأدیب برگردم.

باید با تأسف فراوان به این حقیقت اعتراف کرد که وضع خانواده و فرهنگ ما به حد کافی با رشد مملکت هماهنگی نداشته و تعدد و تنوع عوامل نامساعد چاره جویان را در مقابل هجوم و غلبه شرایط اخلاص گر خلع سلاح کرده است عدم تعاون اقتصاد و تضاد بارز ما بین فقرا و اغنیا نیز در نسل جوان روح انقلاب برانگیخته و موجب خشم و نارضایتی و گاهی اوقات قهر و کین و تعدی و عسیان میگردد و آنان را به رفتارهای ضد اجتماعی و یا غیر اجتماعی سوق میدهد در سال پیش در تهران جزء تحقیقات محوله از کودکان مرکز معانی مقداری از لغات فارسی را سؤال میکردیم میبایست کودکان معنی لغات را گفته و یا در یک جمله لغات مزبور را به کار بندند یکی از این لغات عبارت از کارد بود و دراموقع مراجعه به دبستانهای شمال شهر اکثر کودکان میگفتند وقتی مهمان وارد خانه مان میشود کارد و چنگال سرو میکنیم و میوه میگیریم و با کارد پوست می کنند در جنوب شهر اکثر کودکان میگفتند با کارد گوشت میبریم مرغ و خروس سر میبریم و یا یکی را با کارد می کشند و امثال اینها جواب داده میشد تأثیر فرهنگ و اقتصاد در این مثال کاملاً دیده میشود حقایق ناشی از برخوردهای اجتماعی و اختلاف فاحش اقتصادی زنجیرهای جرم را سراپای متهمین جوان که شرایط مقاومت ناپذیر و مقتضیات اجتماعی خواه و ناخواه اینان را به ارتکاب جرم برمی انگیزد کشیده و تنها عامل بدبختی و باعث تنگ و ناپودشان میشود قوانین جزائی آثار اجتناب ناپذیر جهل و فقر و مرض را در این جوانان نادیده گرفته

نخواستند و یا بهتر بگویم نمی توانند به محیط آنان توجه کنند حق اینست که حقوق دانان و مریدان به تحقیق در علل ناسازگار بهای جوانان همت گمارند و راه علاج را که با مقتضیات تمدن فعلی دنیا سازگار باشد بیابند نه اینکه مثل ماشین حساب هر چه برای جمع و تفریق داده شود حساب کرده و طبق ماده ای از قانون مجازات و محکوم به زندانش کنند جوانی در زندان قسر مراجعه کرد و گفت من از خانواده محترمی هستم درست است که فقیر هستیم ولی در محل آبرویی داریم من برای پنجمین بار به زندان می آیم در هر مرتبه مرا به جرم شروع به دزدی محکوم می کنند ولی حقیقت اینست که من بطوریکه پدر و مادرم میکوبند شبها راه میروم پدر و مادرم به خاطر من در را قفل می کنند من یکشب از غفلت اینها استفاده کرده به خیابان آمدم و در مقابل ساختمان بزرگی ایستادم پلیس مرا جاب و بالاخره محکوم به ۶ ماه زندان شدم و اگر باور نکردید از کشیک شب میتوانید سؤال کنید جوان را به بیمارستان روانی زندان قسر معرفی کرده به پلیس سفارش کردم که کشیک شب او را کنترل کنند گفتند احتیاج به کنترل نیست درست میکوبید هر شب او را از حیاط و یا از کری دور میگیریم و به رختخواب راهنمایی میکنیم آزمایش EEG نیز مؤید گفته هایش بود اسپرواسیون تهیه کرده و به دادستان استان تقدیم داشتم بعد از جمع و تفریق حاصل عبارت بود از اینکه پس از پایان دوره زندان میتواند آزاد گردد اگر امروزه در نتیجه ترقیات روز افزون سیر تکامل در اوضاع مملکتی و شئون اجتماعی مشاهده میگردد از چه رو است که قوانین مملکتی و قانونگزاری در زمینه سیر تکاملی بی نصیب و بی بهره مانده است و چرا مجریان قانون با اینکه به نارسائی قوانین معتقدند خود را از چهارچوب آن نمی توانند رها سازند بجهت مجریان و قانونگذاران قوانین خشک و بی عاطفه را میخواهند اجرا کنند موقعیکه در دارالتأدیب تهران کار میکردم هر شب عنای از کودکان و نوجوانان را به خاطر هوسهای کودکانه و به خاطر اینکه بدون داشتن گواهی نامه رانندگی دوچرخه سواری کرده اند جمع و به دانشکاه جرم و جنایات (زندان) سوق میدادند کودکی را می شناختم که شب اول از شدت ناراحتی نخواهید بود که اگر گناهی مرتکب شده ام و میخواهند مرا تنبیه کنند چرا که با دزدان و با قاچاقچیان در یک جا نکه میدارند این کودک پس از آشنائی با محیط و بازده روز استراحت در مرتبه سوم و چهارم به عنوان حمل مواد مخدره محکوم شد شرح حال این جوان و چند نفر دیگر را به مقامات بالاتر تقدیم و دو مرتبه به دادستانی مرکز محول شد ایشان پس از اظهار ناراحتی ماده قانونی را ارائه و اظهار داشتند که طبق آن ماده بایستی کودک یا به هوسهای کودکانه اش گوش نکند و یا ۷ الی ۱۱ روز آب خنک میل نماید. اینجاست که به جای تحقیق و بررسی در مورد عوامل سازنده ناسازگاری جوانان و علل جرم آنان و یا برای اصلاح

و پیشگیری باید بگوئیم که خود کرده را تدبیر نیست .
ب - علل روانی - خانوادگی در این قسمت عوامل مربوط به کودکان و

نوجوانان و والدین و ... مورد نظر میباشد این عوامل با ارثی و فطری هستند و یا اکتسابی .

علل فطری و یا ارثی مربوط به ساختمان بدنی و سازمان روانی است حالات

ضد اجتماعی گاهی با حالت مزاجی ، ضعف جسمی یا روحی ، اختلال حواس یا عاطفه

بستگی دارد این عوامل در ظهور و بروز ناسازگاریهای اجتماعی و جرم جوانان

سهمی کمتر و نقشی کوچکتر از عوامل اکتسابی و اجتماعی دارند .

عوامل اکتسابی متعدد و متنوعند و علت اساسی و عمومی اکثر ناسازگاریها

و بزهکاریهای جوانان در میان عوامل اکتسابی و تربیتی از همه شایعتر و مؤثرترند

کودکی که در محیط ناسالم و شاهد مجادله و منازعه مکرر والدین و قهر یا جدائی

و طلاق و یا ازدواجهای تکراری بالاخره معاشرتهای نامناسب و والدین باشد رشد عاطفی

و اخلاقی این قبیل جوانان دستخوش وقفه و آشفتگی روانی میگردد تزلزل و ازهم

پاشیدگی مبنای خانواده و یا طرد کودکان باعث حرمان و تشویق و نگرانی شده

کودکان منفی بافی ، مزوی ، پرخاشگر میگرددند اشتباهات و نقصانهای تربیتی نیز

از مؤثرترین عوامل ناهنجاریهای شخصیت و ناسازگاری بشمار میرود کودکانی که

با تعلیم و تربیت استبدادی ، حاکمیت مطلق والدین و یا مر بیان پرورش یابند روح

کینه توزی و عداوت و انتقام جوئی در آنان دیده میشود همیشه تعداد جوانانیکه

در نتیجه ازهم گسستگی خانوادگی و یا تربیت غلط به ناسازگاری و یا رفتار غیر قانونی

و اخلاکری پرداخته اند بیش از تعداد جوانانی است که بسایر علل ناسازگار و یا

خلافکار شده اند آمار دارالتأدیپها نشان دهنده صحت این مطلب میباشد . انضباط

مبالغه آمیز و سختگیریهای شدید در جوانان موجب کشمکشهای روانی ، احساس

تفسیر و گناه و تعارضات خصمانه ، وسواسهای فکری میگردد همینطور قوانین خشک

و بی معنی که گاهی مجریان آن از سالها پیش به نارسائی شان اعتماد پیدا کرده اند

منجر به انحطاط اخلاقی اجتماعی میگردد دور نرویم به پیشیم قانون منع کشت

خشخاش که امروزه بفرمان ملوکانه تصحیح میگردد در عرض چند سالی که اجرا

میگردید چه تأثیراتی اخلاقی و اقتصادی در مملکتمان بجا گذاشت اگر قبل از

تصویب قانون آمار زندانیان و نوع جرائم را ملاحظه میکردیم دزدی در ردیف

اول قرار میگرفت امروزه اگر آمار زندانیان را مطالعه کنیم مرتکبین حمل مواد

مخدره ، قاچاق در مرتبه اول قرار گرفته است اصولاً در مملکتی که تعادلی مابین

قوانین جاریه و جرمهای مختلف موجود نباشد در آن مملکت بر تعداد مجرمین که

قانون نتوانسته است آنانرا اصلاح و یا از ارتکاب به جرم جلوگیری کند رو با افزایش

خواهد بود در اینموقع که اعلیحضرت همایونی امر باصلاح فرموده اند بایستی

باید در نظر داشت که شدت عمل نیز را صحیح و اصلاحی نمیباشد چطور ممکن است ۳ هزار مجرم را از طرفی آزاد و از طرف دیگر با تصویب قانون جدید برخی از مجرمین را در صورت ارتکاب جرم بدار کشید میتوان گفت که چند سال قبل بعلمت سهل انگاری و مسامحه و نارسائی قانون، اجتماعی را به نکبت و بدبختی کشانده ایم اینک با شدت عمل و سختگیری میخواهیم جیران مافات نمائیم و قتیکه در آلمان مشغول تحصیل بودم بیاد میآورم که استاد روانشناسی تأثیرات منفی انضباط و سختگیری را تدریس میکردند گفتند کارخانه آجوسازی مونخ یکسال پس از افتتاح ملاحظه میکنند که چندان پیشرفتی نکرده است علل شکست را بررسی میکنند باین نکته میرسند که در اساسنامه کارخانه قید شده است که هر کارگر روزی میتواند یک شیشه آجسو بخورد در حالیکه هر یک از کارگران روزی چندین شیشه خالی میکنند طبق دستور ایشان ماده اساسنامه باین شکل اصلاح میگردد که هر کس بمیل خود هر چه قدر بخواد میتواند آزادانه بخورد در روزهای اول نتیجه کار معلوم است ولی حسابهای آخر سال نشان میدهد که آزادی عمل تأثیرات منفی، انتقام جوئی، مخالفت را از بین برده و مقدار قابل ملاحظه ای هم عاید کارخانه شده است نارسائی قانون و شدت عمل هر دو مخرب است اول باید فکر اساسی به معنای این به قیاس و مقیاس حرفهای کرد نه اینکه امروز قانونی را تصویب فردا تغییر و لغو آنرا از مجلسی بخواهیم آخر چطور قبول میکنید شخص محتاج و معتاد با تصویب این قانون دست به هیچ سیاه و سفیدی نخواهد زد؛ از آن گذشته امکان اجرای این قانون را از کی و چطور خواهید خواست سخن کوتاه کنیم و امیدست روزی که قوانینی را بر روی احتیاجات مملکتی بنا نهند و قبل از تصویب قوانین بررسیهای لازم را انجام دهند تا این صحنهها بوجود نیامده و پایان پذیرد.

علل ناسازگاری اجتماعی، جرم جوانان، بزهکاری تا اندازه ای متعدد و متنوع و درهم پیچیده است برای پیشگیری باید در زمینه های مختلف خصوصاً در بهداشت روانی فردی - خانوادگی - آموزشگاهی و اجتماعی با کوششهایی بی گبر و با ایمانی راسخ توأم با حس مسؤولیت و فعالیت کرد خصوصاً جای خوشبختی است که فعالیت در موقعی شروع میگردد که در تمام شئون اجتماعی نیز حرکتی بسوی تکامل مشهود است و بدین طریق با جا و روایت که بآینده کشور امیدوار بود.